

سندهای بدون شرح

اشاره

اسناد حاضر گویای وضعیت، علائق و دلبستگی عمیق طوایف، مشایخ و متنفذین بحرینی به ایران است که به لطایف الحیل می‌کوشیدند با اثبات تعلقات خود به مام میهن از ظلم‌ها و تعدیات انگلیسی‌ها در دوره اشغال به ایران پناه آورند. در این اسناد وطن‌خواهان و مأموران دولتی مستقر در بحرین به تهران پیشنهاد می‌کنند که برای نشان دادن تعلق خاطر حکومت به تداوم مالکیت ایران بر بحرین، معافیت بحرینیان از حقوق و عوارض گمرکی و مالیات را تصویب و اعلام دارند. متأسفانه با وجود نامه‌نگاری‌های متعدد و عرض حال‌نویسی‌های بسیار برای حمایت از هموطنان بحرینی از سوی حکومت رضاخان پهلوی هیچ‌گونه اقدامی صورت نمی‌پذیرد، چه؛ به قول قونسول انگلیس، در داخل حکومت هر چیز با نظارت و اعمال نفوذ انگلیسی‌ها انجام می‌گیرد. نکته جالب آن که این اسناد گواه دیگری بر حق حاکمیت مداوم ایران بر مجمع‌الجزایر بحرین می‌باشد.

مصلنامه مطالعات نابین

بتاریخ ۲۹ برج ثور ۱۳۰۳
محرمانه

وزارت جلیله جهاز عامه

راپرتی راجع به وضعیات بحرین رسیده که نمونه آن را برای استحضار خاطر اولیای محترم
آن وزارت جلیله تلواً ایفاد می‌دارد.


رئیس کل ارکان قشون



جمهوری اسلامی ایران

طهران تاریخ ۲۹ برج شرف ثبت ۳۰ ۱۳۰

امم نویسنده صادره ضمیمه



ارت جنگ شماره

صادر	۶۱۲
وارد	
نمبره قبل	
تن	دو-یه
خروج	

درگاه علمیه

دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مطابق فهرست اسناد

کتابخانه مرکزی

مطابق شماره ۴۰

ریاست وزراء

خلاصه سه فقره عربضه آقامحمدامین خنجی مقیم بحرین و میرزااحمد فرامرزی مقیم مرکز (۱) شیخ‌ابراهیم پسر شیخ‌خالد را که از متنفذین بحرین هستند انگلیسها تبعید کرده‌اند. ملیون ایرانی او را دلالت کرده بودند که به بندر لنگه برود. انگلیس‌ها از یک طرف قدغن کرده‌اند که جهازات او را به خاک ایران حمل نکنند و از طرفی هم گفته‌اند اگر به ایران برود دولت ایران او را به ما تسلیم خواهد کرد. به این جهت مشارالیه به نجد رفته است.

(۲) اداره گمرک از مال‌التجاره بحرین حقوق گمرکی واردات خارجی می‌گیرد در صورتی‌که بحرین ملک ایران است و این اقدام اداره گمرک سند مالکیت انگلیسها خواهد شد.

(۳) بعد از رفتن بالیوز بوشهر به بحرین چند نفر از معروفین آنجا را که توقیف بودند به هندوستان تبعید کرده است.

(۴) آمدن شیخ‌احمد به لنگه و پذیرایی که رئیس قشون و سایر مأمورین از او کرده‌اند موجب قوت قلب او و سایر وطن‌خواهان آنجا شده و وضع شیخ‌احمد به کلی تغییر یافته کمتر تسلیم تقاضاهای بالیوز می‌شود. چنانچه هر قدر فشار وارد آورده‌اند که قشون وارد کنند او مانع شده است (امروز موقع آن است که دولت از مشایخ آنجا جلب قلوب فرماید)

(۵) چون شیخ‌احمد زیر بار پیاده کردن قشون نمی‌رود بالیوز ۲۰۰ نفر پلیس جدید تحت اختیار خود با ماهی نفری ۶۰ روپیه از عایدات محلی استخدام کرده ولیکن هر روز برای بهانه وارد کردن قشون شهرت می‌دهند که اعراب به شهر هجوم آورده‌اند.

(۶) یک کمپانی انگلیسی برای گرفتن امتیاز نفت بحرین نماینده به بحرین فرستاده کمپانی نفت جنوب هم (مستر مکی را) آنجا فرستاده اعتراض کرده و گفته است که نفت بحرین هم جزء امتیازنامه او است و اگر به دیگری این امتیاز داده شود ما به دولت ایران اعتراض می‌کنیم (میرزااحمد عرض می‌کند برای اثبات مالکیت ایران بر بحرین خوب است با کمپانی نفت جنوب کمک شود).

(۷) شیخ‌خلیفه حاکم سابق بحرین و همچنین قبیله (آل بو‌عینین) حاضرند به طرف ایران حرکت کنند. در صورتی که توجهی از طرف دولت درباره آنها مبذول شود اکثر مشایخ و قبایل حاضرند به دولت علیه ملتجی شده و به ایران حرکت نمایند. این قبایل از بابت مسئله غوص مروارید نگرانند زیرا انگلیس‌ها تهدید می‌کنند که هر کس از بحرین هجرت کند املاک آنها ضبط و از غوص آنها هم ممانعت خواهد شد. اگر دولت آزادی غوص را برای آنها تأمین فرماید قبیله بزرگی که به خاک ابن‌سعود هجرت کرده‌اند به ایران می‌آیند. در این مسائل انتظار دستور حضرت اشرف را دارند.

، بر دلت ایران عمر حضور میکنیم در میرا همه عرض میکنه بر اینهاست بگفت ایران رو کجایه عزیز است ، کجا زنده میماند
 (۷) شیخ ضیفه حاکم آبی بگویند و همچنین بقید (ال بو عصفین) حضرت لطف ایران حرکت میکنند و صورتی که تو همی
 در طرف حرکت در دارلینا بسند دل خود در کثرت شیخ و شیخ میر حضرت بر دلت علیه منجی سرخ ایران حرکت نمایند
 اینجای بر این است مسئله حضور مولای مکرر اینست زیرا انکسها آتیه میکنند هر کس در کجایه هجرت کند احدی که آنها
 ضبط و از حضور آنها هم همانست خواهی که حرکت کرد از حضور با بر آنها آتیه منی فی فی قبلیه بزرگه
 سبک این نمود هجرت کنیم بر ایران می آید . در این زمان نظر در دست حضرت زینت را داریم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

بتاریخ ۵ شهر رجب سنه ۱۳۴۲ ۲۲ دلو بهمن ماه شمسی ۱۳۰۲

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

پس از ابلاغ سلام و عرض بندگی با کمال ادب زحمت عرض می‌دهد. قبل از این به تاریخ ۱۵ ماه قمری گذشته مطالب به عرض مقدس عالی رسانده‌ام لازم شد در تعقیب آن عریضه مطالب را ادامه دهم.

در آن عریضه شرحی راجع به مظالم انگلیس‌ها دربارهٔ مشایخ آل خلیفه بحرین و فراری شیخ ابراهیم پسر شیخ خالد و اقدامات ما را برای ملتجی شدن عرب زبان‌ها به دولت علیه مرقوم رفته بود. متأسفانه به چند جهت شیخ ابراهیم مذکور از لنگه رفتن باز ماند اول اینکه به سمع قونسولگری انگلیس در بحرین رسیده بود که شیخ ابراهیم به تحریک بعضی می‌خواهد برود لنگه ملتجی به دولت ایران بشود. قونسول انگلیس سیاستاً اظهار خوشوقتی نموده و اظهار داشت که اگر برود ایران فوراً دست بسته به ما می‌سپارند خدا کند به نجد نرود که دست ما به نجد نمی‌رسد. آن بیچاره که این اظهار به سمعش رسیده است پنداشته و از رفتن لنگه دلسرد شد اگر چه یک نفر نماینده ما برای حرکت دادن مشارالیه به لنگه پیش ایشان بود و تا اندازه [ای] هم دلش قوی کرده بود که برود ولی قونسول به این اظهاریه اعتماد نکرده و مردم را تهدید کرده که هر کس ایشان مخفی و یا احدی او را در جهازش به لنگه برساند سخت مجازات و اموال ضبط، جهاز سوزانیده خواهد شد در این صورت کسی قدرت نداشت مشارالیه [را] ببرد. آن هم از خوف به نماینده ما گفته بود که بیشتر نمی‌توانم توقف کنم می‌روم احسا و از آنجا راه خشکی گرفته به محمره خواهم رفت و ملتجی به دولت علیه خواهم شد این گفته و به طرف نجد حرکت کرده است. اظهاریه‌شان که می‌روند محمره هم صحیح نیست فقط این گفته که ما را مطمئن کند - رفیق و هم مسلک محترم ملا عبدالله اوزبی که نوشته بودم به لنگه عازم و از آنجا به عبایی و تلگرافاً با مقام منبع مذاکره خواهند کرد. به واسطه نرفتن شیخ ابراهیم ایشان هم نرفتند. ولی هفته آتیه به حول الله به طرف بندرعباس حرکت و در آنجا تلگرافاً مذاکرات لازمه با مقام منبع به عمل آورده و برای اقدامات آتیه ما کسب تکلیف خواهند کرد. امیدواریم که برای اقدام آتیه ما مأموریتی از مقام منبع داشته باشیم. اقدام ما این است که شیخ خلیفه بن حمد بن (محمد بن خلیفه حاکم سابق بحرین که ملتجی به دولت علیه شده بود و انگلیس‌ها او را غضباً طرد و تبعید و حبس کردند) حاضر است که ملتجی به دولت علیه شود. قریباً مدت یک سال است که می‌خواهد توسط چاکران به ایران حرکت و استمداد طلبد و توسط ماها هم مذاکراتی با فرامری نموده و از مدتی است که مشارالیه یعنی شیخ احمد فرامری به وکالتی خودشان انتخاب

کرده‌اند. ولی از آنجایی که ما نمی‌دانستیم آیا رفتن‌شان نتیجه می‌بخشد یا خیر نمی‌توانستیم ایشان را با عالم بی‌پولی (که انگلیس‌ها بی‌پولش کرده‌اند) به طرف ایران گسیل داریم. آن وقت که کامیاب نشد باقی عرب زبان‌ها هم امیدشان از دولت علیه قطع نمایند.

امروز که فشار انگلیس‌ها به عرب زبان‌ها زیاد شده و همه هم امیدواری از دولت علیه خصوصاً از زمامدار کنونی دارند و مستعجل هم هستند که به زودی توجهی به ایشان بشود (و حق هم دارند زیرا که در ده روزی یک مرتبه به سیاست استعماری انگلیس پیش می‌آید و عده‌[ای] پس از زحمت زیاد بدون محاکمه تبعید می‌شوند) از شیخ خلیفه سابق‌الذکر گذشته قبایل عرب حاضرند که به دولت ملتجی شوند. از آن جمله قبیله (آل بو عینین) می‌باشند که رئیس‌شان مبارک بوخماس است و شیخ احمد فرامری آنها را می‌شناسد. این قبیله پس از تعدی اخیر انگلیس‌ها که بدون هیچ محاکمه و ادنی تقصیری پسر مبارک ابوخماس - ابراهیم، با پنج نفر دیگر ۸ یوم قبل از این با کشتی انگلیس تبعید شده‌اند - دل از بحرین برداشته مصمم حرکت به سوی نجد شدند ولی ما جلوگیری کرده و اخیراً به همت آقای علامی شیخ عبدالواحد فرامری از آن نیت منصرف شده و منتظرند که دستورالعمل بدهیم و به طرف ایران حرکت کنند.

دیگر مشایخ کوچک [و] بزرگ و اعیان اهالی حاضرند که اگر دولت توجه کند ملتجی شوند - بدیهی است توجهی که از طرف دولت علیه به این قبیله بشود سایر قبایل عرب و امانی و مشایخ بدون درنگ به طرف ایران حرکت کرده و از مظالم انگلیس فریاد خواهند کرد.

این قبایل از طرف مسئله غوص خیلی نگرانند زیرا که انگلیس تهدید می‌کند که هر کس از بحرین هجرت کند گذشته از ضبط املاک، غوص هم نخواهند کرد. البته اگر دولت علیه توجهی به آنها کرده و در مسئله غوص هم آزاد بشوند دور نیست که قبیله بزرگ [ناخوانا] که به خاک ابن سعود هجرت کرده به ایران بیایند. این قبایل همه تجار معتبر و کسب‌شان غوص و استخراج مروارید می‌باشد.

اگر ما این وقت به قبایل دستور دهیم بدون درنگ به طرف ایران حرکت خواهند کرد ولی ما هم بدون مأموریت نمی‌توانیم این عمل کنیم شاید لطمه به سیاست دولت وارد آید یعنی اگر این قبایل به ایران بیایند و از دولت توجهی نبینند هم خودشان و هم سایر قبایل و مشایخ و اهالی بحرین از دولت علیه قطع امید کرده و فکری دیگر برای خود می‌کنند لهذا تصویب نظرمان این است حالا که [ناخوانا] و نظر قبایل و اهالی بحرین به صوب ایران را داشته‌ایم از دولت کسب تکلیف کنیم و به آن چه مأمور شدیم بدون خوداری عمل نماییم. این است که جناب ملاعبدالله اوزی با هفته آتیه به طرف بندرعباس حرکت کرده و توسط شیخ احمد فرامری تلگرافاً کسب تکلیف از مقام منبع خواهند کرد. امید است که موقع از دست نداده ما را مأمور کرده که این امر

مهم انجام داده و خدمتی به عظمت مملکت خود کنیم.
اگر صلاح دانستید که عرب‌ها به طرف ایران حرکت کنند لازم است به مأمورین دولت ابلاغ شود که همه‌گونه وسایل راحت‌شان فراهم شده و از گمرک و بلکه تا مدتی از مالیات هم معاف شوند که جلب قلوب‌شان شود و سایر هم بدون خودداری ملتجی به دولت علیه شوند. خوب است این موقع از دست داده نشود که عرب‌ها هم قطع امید کنند.
ایام عظمت پاینده باد.



MOHAMED AMIN
BEN HADJI ABDUL AZIZ KHONJI
Adresse Télégraphique: „BAHREIN Amin“

محمد امین
بن حاجی عبد العزیز خنجی
عنوان تلگراف: «مجرین امین»

Bahrein, le 11 / 2 1924

تاریخ ۱۱ / ۲ / ۱۳۴۳ ۲۳ دلو بهمن ۱۳۴۳

تعام مینع ریاست وزراء عظام فارس غلظت

پس از این عرض کردم و عرض بندگی با کمال لب رحمت عرض میدارم - قبر از این تاریخ ۵۰ تا قبر گذشت مطاب

لوحی مقدس عالی رسنده ام لایحه در تقویت آن و لایحه مطاب بودا در هم
در آن و لایحه شری راجع نظام انگلیس در باره استیج آن خلیفه مجین و وزارت شیخ ابراهیم پسر شیخ خالد واقعات
ما و ملایطی شدن عرب زمانه دولت علیه مرقوم رفته بود - متناهی چینه جهت شیخ ابراهیم مذکور از لایحه
رفتن بازمانده از آن یک سبب قوی بود انگلیس در بون ریده بود که شیخ ابراهیم بخوبی یعنی میفرمود بر بولنگ ملتی بدست ایران بود
قوی بود انگلیس بدست آنها خوشتر می بود و اظهار داشت که اگر چه ایران فروردست بسته کار بسیارند هر آنکه در جنبه زنده
که دست ما به جنبه نرسد - آن بجای که در این افکار رسیده است بند داشته و از رفیق لنگه دست در دست اگر چه کینه
نماند ما به حرکات دلفن من در این بر لنگه بنیران نماند و تا اندازه هر دو تور که هر که بود و قول بان اظهار است که
و هم بود که در هر آن شخصی و یا اخبار آورده اند که در این جهت محال است و اسوال خط چاه روزانه فراموش
در این صورت که قدرت نداشتند که به این برود. آنهم از خوف بر نماند که گفته بود که بنشینم بقوام توقف میروم احسا
و از آن راه خلیج که گفته بود خواهم رفت و منی دولت علیه خواهم شد این گفته و لطف بخیر حرکات کعبت - افکار بر دست
که میرود محو بر صحنه نیست قط این گفته که در مطلق کنند - رفیق در مسلک قوم مدعی این افروزی که نوشته بودم بلکه عظام و از آنجا
به جای و مگر آنجا به مقام شیخ نماند خواهد بود - بولا لایحه رفیق شیخ ابراهیم این در تقویت - ولی حفته آیه بحواله لایحه شیخ
حرکت خود را نمی مگر آنجا حرکات لایحه به مقام شیخ لایحه آورده و مدارا واقعات آیه تا که بقیه خواهد بود - امیر ولایت که لایحه تمام آیه
ما امیر و نیز از مقام شیخ داشته ام - اقدام ما این باشد که شیخ خلیفه بنام محمد بن (محمد خلیفه حاکم بن بون که ملتی بدست تعدیل بود
و انگلیس با او توافق کرد و بتبصیه و جبر کردند) حاضر است که ملتی بدست خواهد بود - قریباً مدت یک سال است که میخواهم توسط کارکن
بایان حرکت و استمهال بکند و توسط کارکن نه کارکن با خاندان که در وقت تربیت کردیم که این یعنی شیخ احمد فرزند لولکا که در وقت نه
و منتخب کرده اند - ولی از آنجا که ما نمیشدیم آیا رفتن من در تیمور برکت یا غیر نمیخواستیم این بود تا عالم بود که
انگلیس را بر لایحه بماند) لطف ایران گید دارم - آنوقت که گویاب نشد باین جهت زبانها را امیرت بن از حرکات
علیه قطع نمایند -

MOHAMED AMIN
BEN HADJI ABDUL AZIZ KHONJI
Adresse Télégraphique: „BAHREIN Amin“

محمد امین

بن حاجی عبد العزیز خنجی
عنوان تلگراف: «بحرین امین»

Bahrein, le 192

شهر سنه بیع ہجری

امروز گرفتار اقلید با بوی زبانها زیاده بود و در هر روز بکریه بیست اقامه اقلید بنام میاید و بعد از آن وقت زاندر روز
تفسیر میخوانند از شیخ خلیف بن ابی الذر که نوشته قبا بویب حافظه که بدو است بکنی نموند - از آنجمله قبله آل بعینین
حیاتند که در شرف بن مبارک نبوی است ریخ احمد فکرم در آنجا نوشتند این قبله را بقدر اقلید با کربون بیج
بیج میگردانند و قبا بویب مبارک نبوی - ابراهیم - با بیج نویدگر بودیم قبله از آن با کشته اقلید جمع نموند - در از بحرین
بودند معجزات بویب خیر شدند و با جلوه کرد و ایضا است که در علم میباشند عبد الوهاب فامیر از آن نیست موفق شد
و منتظرند که دستوار علم بویب و ابوظفر ایران حرکت کنند -

۲۴۷

دیگر است که گوید بزرگ و اصحاب از آن حافظه که از کلمات قبا بویب که بیج نموند - در هر است توچه که از طرف در علم قبا
بقوس بر قبا بویب و آنرا دوست است بدوین درنگ بویب ایران حرکت کند و از سلاطین اقلید فرید خواهد بود -
این قبا بویب از طرف سلاطین خلیف بن ابی الذر که اقلید آمدیم بیکنیم که در کس از آن حرکت کند که از طرف از خطه اقلید خلیف
نخواهند بود - البته اگر حرکت علیه کرده تا آنکه در دست خلیف از آنکه بیج نموند در نیست که قبا بویب مبارک نبوی این سود جوست که
باران بمانند - این قبا بویب هر چه از سویب و کت از خلیف و از خلیف مردار میباشند -

اگر از وقت بقیاتر دستوار و بیج درنگ بویب ایران حرکت خواهد کرد و نام بدون ناموریت نیست نام این عجز کت در خطه
بست است حرکت وارد میماند اگر این قبا بویب باران بمانند و از کلمات بویب نه بیشتر از کف ن نام سابقا بویب و سنج دامانی
بحرین از کلمات قبا بویب که و نیز دیگر بکار میکنند لهذا اقلید بویب نام این است حالاکه کار خسته و اقلید قبا بویب و آنرا
کسرت ایران نخواهند نام از کلمات کت کلفیم و تا آنجا که نامور بویب بدون فخر نامیم - این است که جسم خجاب
عبد عبد الوهاب فامیر از آن نیست آیت بویب بندر عمان حرکت کند و توسط بیج احمد فامیر از آن کسرت کلفیم از تمام منع خواهند بود -

امید است که سوخته از کلمات بویب نامور که این امر هم انجام دهم و ضرورت نیست ممکن خواهد بود -
اگر صلاح دانستید که در باب بویب ایران حرکت کند لازم است با مویب حرکت اقلید که هر گونه بویب در آنجا و نامیم
از کلمات و بیکه نامی از کلمات در سعاف نموند که بعد قبا بویب نام و در سایر بدون قبا بویب بدوین نموند
خوب است این سوخته از کلمات بویب که در علم میباشند این خطه با مینه بار

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

پس از تقدیم ادعیه خالصانه با کمال احترام عرض می‌نماید. سابقاً شمه از اوضاع ناگوار این جزیره فاسده بحرین به عرض مقدم عالی رسانیدم و با یک عالم انتظاری منتظر جواب و اقدامات دولت علیه می‌باشیم. بعد از تسطیر عریضه سابق مهماتی زیاد در بحرین رخ داده است که اگر بخواهم شرح دهم اسباب اشتغال خواطر شریف خواهد بود.

جناب آقا شیخ احمد فرامرزی که محض این مهمات در مرکز توقف دارد کاملاً از اوضاع جاریه مستحضر می‌باشد. اخیراً به واسطه اغتشاشات اخیر که آقای فرامرزی به عرض خواهد رسانید یک از شیخ‌زاده‌های بزرگ بحرین یعنی شیخ ابراهیم بن شیخ خالد برادر شیخ عیسی از بحرین فرار کرده و در نزدیکی بحرین توقف دارد و حاضر شده که توسط آقای شیخ عبدالواحد فرامرزی والد شیخ احمد فرامرزی و توسط بنده و ملا عبدالله اوزبی که رفیق محترم ما در مسئله بحرین است که ملتجی به دولت علیه شود. اینک قرار داده‌ایم که شیخ عبدالواحد برود در محل توقفشان و کاملاً دستورالعمل بدهد که برود لنگه. و جناب ملا عبدالله هم بروند لنگه دستورالعمل به ایشان می‌دهند. البته لازم است که وظیفه برای ایشان معین بشود و به مأمورین لنگه امر فرمائید که همه‌گونه وسائل احترام برای‌شان فراهم بیاورند که به مراحم اولیای دولت خوشوقت شده و باقی مشایخ بحرین هم برای التجاء حاضر و اهالی مظلوم هم خوشوقت شده و بروند سواحل ایران سکنا بگیرند. رفیق محترم ملا عبدالله تلگرافاً از عباس مخابره خواهند کرد.

متأسفانه پس از تحقیقات بنده اموال صادره از بحرین برای بنادر ایران گمرک دریافت داشته و موجب اموال وارده از ممالک خارجه محسوب می‌شود در صورتی که برای مسافری از بنادر [ناخوانا] خبر داده می‌شود و برای تمبر پستی هم معاملات وضع می‌شود. چه سود که در بعضی امور بحرین داخلی و در بعضی خارجی محسوب شود. البته برای مجزی بودن بحرین از ایران این سندی بزرگ خواهد بود و رقیب حربه خود قرار خواهد داد. خوب است در این مسئله خودداری نفرموده و امر اکید به متصدیان مالیه صادر فرموده که اموال صادره از بحرین گمرک نگیرند در داخله حساب شود. بدیهی است این پیشنهاد بی‌موقع نبوده و به موقع اجرا خواهید گذاشت.

محمد امین

MOHAMED AMIN
BEN HADJI ABDUL AZIZ KHONGI

Adresse Télégraphique: „BAHREIN Amin“

بن حاجی عبدالعزیز خنجی
عنوان تلگراف: «بحرین امین»

تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۴۲ ۲ دلو ۱۳۴۲
Bahrein, le 22 / 1 192۹

تعمای نیب ریاست وزیر اعظم دامت عظمیٰ -

سر از تقسیم طبقه خاندان با کمال احترام عرض نمایم - سابقاً شمه از اوضاع ناکاروانی غیره فاسد بحری
لغوی عدم عکاسی ندم و با بگویم انتظار انتظار جواب اقدامات درت عدیدیم - بعد از تطبیق
توقیف سابق رهجا نه در درونی رفع ملالت که اگر بخیرتر شرح دم سباب اشتغال ختم رفع خولم بصت
جاب رایج احمد فرزند کریمین ان نهات در مرکز توقف دارد کاش از اوضاع جاریه مستحضر میباش
آفرایه اعانت شات آفره که کار فرامی از نهی خواهد رسایند یک از شیخ نهم کار زنگ بحری
یعنی شیخ ابراهیم بن شیخ حاله برار شیخ علی از بحری فرزند که روز یک بحری توقف دارد و در آنجا که توسط کار
شیخ عبدالواحد فرامزی و التشیخ احمد فرزند - و توسط بنده و مدعیه اله از می که رفیق محرم در سینه
بحری است که بلنجی بودت علیه شو ایمل کافر وله ایم که شیخ عبد الواحد رهو در سر توقف ن نماینده دستو
المعرب هم که رهو کند - وضاب مدعیه اله و فرزند که دستو المعربان نهم نیز - البته لازم است که ظنیف
بهران ن معنی نشو بیامودن کنه امر فرمایید که همه گونه وسایر اقدام برایشان فرمایید درین که امواج اول
بجاست خود لوکت تفریحی است بحری اهل بلاد و احزاب مظلوم هم خوفت کنه و برورد سواله ازان کشی بکنند
رفیق محرم مدعیه اله همکاران غلظت بره خواهند کنه -

تساعتی سر از تحقیقات منتهی اموال صادره از بحری همکاران اگر کف باقت دست و مریاسیان
وارد ازانجا کنه به کسب می شود در مورد کنه - همکاران از شمار غم فریاد می شود و ملایم تر کسب سبک و راجع
میشود - به سوه که در بعضی از بحری داخل و در بعضی از بحری محسوس شو - آنکه به شرحی با شرح بحری تور ازان بود سند بزرگ
نمایند و قبیل عربی هم قرار دارند و خوش است در این سنده تصد در ان موقع و اما کنه به بشهریان مالیه نماید و فرقه که اموال
صادر از بحری که سبک و هلاک شده سبک به بیعت این پیشه از بی موقع نبوده و کسب بخواهیم که ایستاده سبک

۲۴۹

در این سند به شرحی که در
 متن آن آمده است در مورد
 بعضی از اوضاع بحری
 مذکور شده است

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

چند روز قبل راجع به حوادث اخیر بحرین و فرار نمودن شیخ ابراهیم برادرزاده شیخ عیسی برای استحضار خاطر حضرت اشرف عرض نموده مکاتیب تازه که رسیده وضعیات بحرین و بعضی از بنادر جزیره العرب را این طور می نویسند.

(۱) بعد از آمدن بالیوز بوشهر آن چند نفر که توقیف بودند و گویا از زعماء و معروفین بحرین هستند بدون محاکمه و اثبات تقصیر به هندوستان تبعید می نماید. مقصود از این اقدامات فقط این است که اشخاص با حسن و متنفذ را به هر طریقی است بیرون کرده که آن وقت معارضی برای دخالت های نامشروع خود نداشته باشند.

(۲) چون شیخ حمد زیر بار پیاده کردن قشون نمی رود و بالیوز ۲۰۰ نفر پلیس تازه علاوه بر آنهایی که در دو شهر منامه و محرق و دو قصبه حد و بدیع موجودند برای حراست دهات بحرانی نشین استخدام نموده. مواجب هر یک از افراد پلیس ماهی ۶۰ روپیه از عایدات محلی می دهد. اختیارات تامه این پلیس به دست قونسل [قونسول] است از اول روزی که پلیس در بعضی دهات برقرار شده یومیه محض مشوب ساختن اذهان و برای اینکه مردم را به وحشت اندازند (یعنی اهالی شهر) راپرت می دهند که هر شب اعراب هجوم می آورند و ما آنها را دفع می کنیم در صورتی که ابداً صحت ندارد و فقط مقصود این است که به بهانه استقرار امنیت قشون پیاده کنند.

(۲) چون مسکن شیخ خالد در قصبه رفاع که واسط جزیره و دور از دریا واقع است و اغلب اعراب برای مشوره در آنجا جمع می شوند پس از تبعید کردن پسرهایش او را مجبور کرده اند که به شهر منامه یا محرق انتقال نماید.

(۳) در عریضه قبل عرض کردم که شیخ ابراهیم خیال آمدن لنگه دارد. بعد گویا قونسل یا چیزی فهمیده و یا تصور کرده که شاید خیال ایران داشته باشد به تمام ناخداهای بحرین و قطر اخطار کرده که هر کس او را ببرد مسئول خواهد شد. از آن طرف هم اشاعه داده که اگر به ایران برود و دولت ایران او را به ما تسلیم خواهد کرد. آن بیچاره که به کلی از اوضاع ایران بی اطلاع است وحشت کرده و به طرف نجد رفته است. اگر چه قول داده که از طریق کویت به محمره که نزدیک تر است می آید ولی تصور نمی رود.

(۴) چند نفر از ایرانی های بحرین به تهمت دخالت در سیاست گرفتار و با کشتی تجار تی به هنگام تبعید می نمایند. یاور علی اصغر خان در آن کشتی از بوشهر به لنگه می رفته همین که خبردار می شود می رود آنها را مستخلص می کند و می گوید اگر کسی به آنها ادعایی دارد بیاید لنگه آنها را محاکمه کند بعد از آن چند نفر دیگر که در بحرین محبوس بوده اند هم به امر بالیوز بوشهر

مستخلص می‌شوند. چون اهالی بحرین و سایر آن نواحی استخلاص آنها را نتیجه اقدامات دولت تصور کرده‌اند یک روح تازه در عموم اهالی دمیده.

(۵) آمدن شیخ حمد به لنگه و پذیرائی که از رئیس قشون و سایر مأمورین دولتی نسبت به او به عمل آمده و قوت قلبی که وطن‌خواهان آنجا (خاصه سلطان‌العلماء که از علمای محترم اهل تسنن و خیلی سنی‌های جنوب او را محترم می‌دارند) که به او داده‌اند به کلی وضعیت شیخ حمد را تغییر داده و به خلاف سابق کمتر تسلیم تقاضاهای بالیوز می‌شود. چنانچه هر قدر فشار آورده‌اند حاضر نشده که قشون پیاده کنند. امروز موقع آن است که دولت با وسایل مختلف به جلب قلوب مشایخ آنجا مبادرت کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقام شیخ ریاست و نیز اعطای دست خطی

چند روز قبل راجع بمبادی استخره بحرین و فرار نمودن شیخ ابراهیم برادر زوی شیخ عیسی بران که ضار خاطر حضرت است
عرض نموده - مکتوبات تازه که رسیده - و ضعیف است بحرین و بعضی از بلاد جزیره العرب را انظار و نظر کنند
(۱) بعد از آمدن پانزده هزار نفر از آن چند نفر کم تر تنفیج نمودند و گویا از زعماء و سرودین بحرین استم بدو نماند
و ایجاب تغییرالمنطقه وستان تبعه مینمایند - مقصود از این اقدامات قتل اینهاست که با نماند با حصول نتیجه
بر طرفین است بیرون کرده که انوقت مداخلت بران در فاصله شروع خود نماند

(۲) چون شیخ هرگز بر بار پیاده کردن قتل نمود و بیایند ۳۰۰ نفر بیس تازه عمده برانند که در هر روز
شماره و حرق و کرب و تیغ می خوردند بران و است و است که این فتنه ایست که بیایند - مواجب
ارکیت از افراد بیس ما این ۹۰ روپیه از عایدات همین صدها اختیار است تا بدین بیس بدست قرض است
از اول روز اول که بیس و تیغ است بر فرار شده - بیایند بعضی سلب است فتنه از آنجا و بران انکم مردم را بگشت
از آنجا (یعنی ۲۵ نفر) را بگشت میزند که از بیس اعراب هر روز می آید و همانرا از دفع بیس در هر روز
که با است شمار و فقط مقصود این است که بیایند استوار است و فتنه بیایند

(۳) چون سکن شیخ خواهد در قصبه دفاع که وسط جزیره و در آنرا دریا واقع است و اغلب اعراب بران است
در اینجا جمع می شوند پس از تبعه کردن پس از این او را مجبور کرده اند که بیایند با حرق انتقال نماید -

(۴) در هر قصبه قوی عرض کردیم که شیخ ابراهیم خیال آمدن نماند دارد - بعد گویا قویل یا چیزی فتنه و یا تصور کرده
که شاید خیال ایران داشته باشد تمام نا فداان بحرین و قطر اخلاص کرده که اگر او را برود جسم سؤل فرایند
از آن طرف هم اشعه ولو که اگر با بران برود در کربت ایران او را با تسلیم فرایند آن بیایند که بکلی از اوضاع ایران
بیگانه است و حلیت کرده و بطرف خود رفته است - اگر چه قول در آن است که بیایند که بیایند بیایند
و بیایند بیایند

(۵) چند نفر از ایرانیان بحرین است دخالت در حدیث گرفتار و با اکثر تجار به بیایند تبعه مینمایند -
یا در حدیث اصواتان در آن کثیر از جزایر بلکه میروند بیایند خبر داد می شود میروند آنها را استمداد می کنند
و میگردند اگر کسی بیایند دارد بیایند بیایند و اینها که کثیر بعد از آن چند نفر دیگر که در بحرین بیایند
هم با بیایند بیایند بیایند چون لاله بیایند بران فراخی استمداد آنها را بیایند اقدامات کربت
تصور کرده اند که بیایند در عوالم بیایند

هم چو بالوز قوتش قلمی میوزد چون الای بریند و کسیران فراهی استغدی انرا از شعیب و ائمه است که است
فصوح کرده اند که روح تازه در عروق ما می آید در راه است با شکر میزبانند که با در و در است
۵ آمدن شیخ محمد بنکیم و پیغمبرانی که از ایشان سخن در علم و ادب ما بودی هم از نسبت یوا و هم آمده است
قبول مردکی هلالی ابن (خادم سلطان العیوب که از علی بن محمد ابو سفینه وضع سیاه قیوب او را هم می دانند) که با اولاد
بعلی و ضعیف شیخ محمد را تغییر دلا و عقیدت سابق که تسلیم ستا خدای بالوز می شود - چنانچه هر قدر فشار آورده اند
که حاضر شده که حشرن پیاده کنند امروز سو قی آن است که جوت یا و سایر تلف بحسب قلوب سیاهی این باب در است که



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی